

گزارش ارتش آزادیبخش ملی ایران

جهانیت علیه بشریت

فصل شانزدهم

کارزار
سرنگونی
شماره ۳

پس از آن چه از انواع و اقسام طرحهای ارائه شده از سوی مجاهدین و آن چه از آمریکا و سازمان ملل و قول و قرارهای خیانت شده دیدیم، بیش از پیش، روشن شد برای کسانی که اهل زانوزدن و تسلیم در برابر فاشیسم دینی نیستند، تنها پاسخ و راه حل هم چون ۵ سال گذشته در ایستادگی و مقاومت و کارزار است که در شرایط و وضعیت کنونی رژیم، نوک پیکان نبرد سرنگونی مردم ایران با رژیم ضدبشری است.

با این همه، پس از نخستین حمله موشکی به لیبرتی و پوچ درآمدن همه وعدهها و قول و قرارهای آمریکا و سازمان ملل و کوبلر و همه کسانی که به مجاهدین برای ترک اشرف بی وقفه فشار می آوردند و تقصیر تأخیر در این کار را هم با فرض حمله مجدد وحوش، پیشاپیش به پای مجاهدین می نوشتند، بار دیگر طرحها و راه حل های مختلفی از سوی مجاهدین و مقاومت ایران ارائه شد:

مسعود رجوی - ۷ اسفند ۹۱

راه حل اول: انتقال بلادرنگ و بدون استثنای مجاهدان لیبرتی به آمریکا

راه حل دوم: بازگشت به اشرف

راه حل سوم: بازگرداندن سلاحها، برای دفاع و حفاظت ساکنان

حالا می‌خواهم بروم سراغ راه‌حل، خوشا مجاهدین، که این مسیر را گام به گام آمدند، نه فقط با دشمن بلکه حتی با دوست برای این که به چشم ببینند که چه می‌شود؟ شما یا من، ممکن است بگویید من که گفتم، من که نوشتم، دهها، صدها، تومار، نامه فردی، بحث، نظریه حقوقی، موضعگیری، اطلاعیه، هزاران و هزاران...

بله، شما این را می‌گویید، قبلاً هم شما یک کلمه در ایران گفتید، ارتجاع! اما تا بفهمند و ببینند، خوب زمان می‌خواهد. این جا یک سال مجاهدین قیمتش را با هوشیاری دادند. برچسب ارتجاعی استعماری را هم درهم شکستند، گام به گام با تحلیل مشخص، از شرایط مشخص، پیش آمدید، تا دنیا را و جامعه بین‌المللی را برسانید، دشمن که خوب نقطه امروز را می‌دانست، از یکطرف حالت مجاهدین همه جا شبیه به هم است، از یکطرف جگرهای شعله‌ور برای تک‌تک شهیدان و مجروحین، هر کدام را که بنگرید محصول دهه‌ها و سالیان هستند، از طرف دیگر، عزم جزمی را که از خودتان می‌گیرم، از تک‌تکتان، چه در اشرف، چه در لیبرتی که عزم جزم کرده‌اید که این خونها را احیا کنید، طبق همان آیه قرآن که خواندم از هر دانه ۷ خوشه و در هر خوشه ۱۰۰ دانه؛ حسابهای خدا این طوری است. یکی به ۱۰۰ تا نیست، یکی به ۷۰۰ تا است و در ادامه آیه می‌گوید که خدا می‌افزاید برای آن کس که بخواد. انگار می‌خواهد بگوید که نه فقط ۷۰۰ تا بلکه هزار تا و بیشتر و بیشتر!

...

حالا ما چه می‌گوییم؟ می‌گوییم بفرمایید:

۱- بلادرنگ همین امروز حتی با هزینه خودمان، انتقال ۳۲۰۰ نفر، شامل کسانی که هم در اشرف و هم در لیبرتی هستند به خاک آمریکا ببرید، ولو به‌عنوان سرپل، همین امروز! چگونه است که وقتی شما می‌خواستید نیروهای خودتان را با آن همه ساز و برگ، ۱۵۸ هزار نفر را از عراق ببرید، به‌سادگی این کار را کردید؛ ماهانه آمار می‌دادند، هفتگی و روزانه هم آمار می‌دادند، آمار هم یکی و دو تا و صد تا نبود بعضی وقتها می‌گفتند مثلاً طی یکماه، ۳۰ هزار یا ۵۰ هزار نفر به

آمریکا برگشتند. بسیار خوب ۳۲۰۰ نفر که چیزی نیست، عدد خیلی سنگینی نیست، در طرحهای پارسالمان هم که آقای کوبلر هم بود می‌گفتیم، تازه آن زمان لیست تروریستی هم بود؛ می‌گفتیم اگر طبق قانون خودتان، تروریستها را نمی‌توانی در خاک آمریکا بپذیری، بسیار خوب، یک جایی را حصار توری بکش و به آن جا ببر. الحمدالله در آمریکا که قرارگاه یا مکان که کم ندارید مثل زمانی که آمریکاییها مسئول حفاظت بودند، خودتان ورود و خروج را کنترل کنید. می‌گفتند خب ممکن است اینها بگویند ما می‌خواهیم این جا بمانیم و ماندگار بشویم، گفتیم خب بفرمایید سند محضری می‌دهیم که ماندگار نمی‌شویم یعنی اگر کسی بخواهد مسأله حل کند که جدی باشد که تضمین داشته باشد، اینها که چیزی نیست. پس این راه حل اول. سلاحها را گرفتی! تعهد دادی! کنوانسیون ۴ هم که زمان ندارد، در موافقتنامه نوشته تا فرجام نهایی شما مسئول حفاظت هستید.

**AGREEMENT FOR THE INDIVIDUALS OF THE PEOPLE'S MUJAHEDIN
ORGANIZATION OF IRAN (PMOI)**

You are being offered your release from control and protection in exchange for your promise to comply with certain conditions. In exchange for your promises, you will be released from Multi-National Forces-Iraq control and protection as soon as reasonably practicable.

Please read the Agreement below. If you agree to abide by these terms, then sign your name at the bottom of the page.

AGREEMENT

I, _____, knowingly, willingly, and voluntarily enter into this Agreement with Multi-National Forces-Iraq. I agree to the following:

- a. I reject participation in, or support for terrorism.
- b. I have delivered all military equipment and weapons under my control or responsibility.
- c. I reject violence and I will not unlawfully take up arms or engage in any hostile act. I will obey the laws of Iraq and relevant United Nations mandates while residing in this country.

I understand that I will be free to leave and to return home when viable disposition options become available. I understand that some of these disposition options include: return to my nation of origin; admission to a third country; application to the Ministry of Displacement and Migration for continued residency in Iraq; or application to international organizations such as the United Nations High Commissioner for Refugees. I agree to cooperate with Multi-National Forces-Iraq while these disposition options are pursued. I agree to remain under the protection of Multi-National Forces-Iraq at Camp Ashraf until these options are completed. If I violate any terms of this Agreement, I may be subject to prosecution or internment, and administrative sanctions. I promise to scrupulously comply with my Agreement.

_____ SIGNATURE	_____ NAME (PRINTED)	_____ IDENTITY NUMBER
_____ MNF-Iraq Representative	_____ PRINTED NAME, RANK	_____ DATE

مایکل موکیزی، کنفرانس در هوستون آمریکا ۲۰ فوریه ۲۰۱۳ (۲ اسفند ۹۱)

«اگر وزارت امور خارجه آمریکا می‌خواهند چیزی را جدی بگیرند، می‌توانند با جدی گرفتن تمام این چیزها شروع کنند. آن‌چه که لازم است این است که هواپیماهایی را به فرودگاهی که درست در نزدیکی کمپ لیبرتی است، بفرستند، آن افراد را سوار کنند و به این‌جا بیاورند. زمان متوقف کردن، جدی گرفتن انواع چیزهایی است که وزارت امور خارجه ادعا می‌کند جدی می‌گیرد و زمان شروع جدی گرفتن چیزی است که ایالات متحده به آن معتقد است و آن یک کشور آزاد است که در آن مردم حق دارند سرنوشت خود را انتخاب کنند و تنها راه برای به ارمغان آوردن آن، تقویت افرادی است که برای آن‌چه مجاهدین برای آن ایستاده‌اند، می‌ایستند و همکاری و همراهی با آنها».

مسعود رجوی:

«راه‌حل بعدی، چنان‌که همان کسانی که به ملاقات رئیس‌جمهور برگزیده این مقاومت می‌رفتند، یکی بعد از دیگری اصرار در اصرار که نگذارید کار به درگیری بکشد و ستون ششم و هفتم و هشتم هم حرکت نکنند، کمالین که ستونهای قبلیش، آنها الان می‌گویند اشتباه کردیم! معذرت می‌خواهیم! احساس مسئولیت می‌کنیم. می‌گویند ما گول خوردیم، ما نمی‌دانستیم که چی به چی است. آنها حالا آمده‌اند و می‌گویند راه‌حل اشرف است! چون جلو هر کس که بگذارید این مساحت را و این آمار را، همین را می‌گوید. کمالین که اگر لیبرتی با همان مساحت ۴۰ کیلومتری می‌بود که روز اول آقای لیندوال از جانب ایالات متحده به ما گفت، که چنین ضایعاتی نمی‌داشت».

مایکل موکیزی کنفرانس بین‌المللی پاریس ۱۹ اکتبر ۲۰۱۳ (۲۷ مهر ۱۳۹۲)

«۵۲ کشته در اول سپتامبر در اشرف، کسانی دیگر در لیبرتی، و ۷ گروگان

گزارش مستند حمله به اشرف

ر بوده شده. و دو مردی که بیش از همه در این موضوع دخیل هستند، به زودی با هم دیدار خواهند کرد.

یکی از آنها نوری مالکی است که مسئول این اقدامات اسفناک است. او آنجا حضور نداشت، اما اشتباه نکنید، این نمی‌توانست بدون دستور او صورت گرفته باشد، و البته او به عنوان آلت دست و دست‌نشانده آخوندهای ایران به دستور رژیم ایران عمل می‌کرد. او مسئول است.

آن فرد دیگر رئیس‌جمهور اوپاماست که او نیز به میزانی در این رابطه مسئولیت برعهده دارد. این درست مانند مسئولیتی که مالکی برعهده دارد، نیست. او هیچ دستوری نداد و مطمئنم که بابت این حادثه بسیار متأسف است و اگر می‌توانست به سادگی آرزو می‌کرد که صورت نمی‌گرفت، شکی نیست که این کار را می‌کرد. اما او می‌توانست مانع آن شود و قدرت آن را دارد که مطمئن شود دیگر صورت نخواهد گرفت، و ما این‌جا هستیم تا مطمئن شویم او از این قدرت خود استفاده می‌کند.

ثانیاً، باید سهم خود را ایفا کنیم تا آن افراد را از آن‌جا خارج کنیم. ما از ظرفیت و امکانات لازم برای این کار برخورداریم.

من هیچ اشتیاقی ندارم که دولت خودم را رسوا کنم، اما چیزی که اشتیاقم نسبت به آن از این هم کمتر است، این است که دولت من باعث رسوایی کشورم شود. این را من تحمل نخواهم کرد».

رودی جولیان، کنفرانس بین‌المللی در پاریس ۷ دسامبر ۲۰۱۳ (۱۶ آذر ۹۲)

«صحبت کردن پس از جنایتهایی که مشاهده کردیم، بسیار سخت است. من چندی پیش در گردهمایی مشابهی گفته بودم که کمپ لیبرتی یک کمپ بازاسکان نیست، بلکه یک اردوگاه کار اجباری است.

بسیاری در وزارت خارجه و کوبلر از این حرف من بسیار برافروخته شدند. وقتی که شخصاً با کوبلر دیدار کردم، او من را به خاطر بیان این حرف مورد سرزنش

قرار داد. این یک کمپ نابودسازی است و به چنین چیزی تبدیل شده است. این تنها یک اردوگاه کار اجباری نیست، بلکه یک کمپ نابودسازی است، آن هم زیر نظر سازمان ملل و آمریکا. چقدر افتضاح و وحشتناک است. این نقض اعتماد و تعهد است. امروز بدون عصبانیت، صحبت کردن خیلی سخت است، عصبانیت از مالکی، عصبانیت از رژیم ایران، عصبانیت از کویلر، عصبانیت از سازمان ملل و به، عصبانیت از دولت خود من و وزارت خارجه من. اینها بارها به این افراد قول حفاظت دادند اما حالا کنار کشیده‌اند و جرأت حتی بیان یک حرف را هم در زمانی که انسانهایی دارند زیر نظر سازمان ملل و آمریکا نابود می‌شوند، ندارند. این چه بلایی است که بر سر اصول و اخلاق ما آمده؟

شما نباید به قلدرها التماس کنید. تاریخ جهان مملو از نمونه‌هایی است که چه بلایی بر سر ملت‌هایی حتی عظیم می‌آید وقتی که دست به دامن قلدرها می‌شوند. کاری که با زورگوها باید بکنید این است که در برابر آنها بایستید. به تک‌تک افراد در اردوگاه کار اجباری (لیبرتی) که ما با آنها صحبت می‌کنیم، به‌طور مکتوب توسط کشور من قول حفاظت داده شد. من و آمریکاییهایی که در ۳ تا ۴ و ۵ سال اخیر سخت بر روی این موضوع کار کرده‌اند، قلبمان شکسته که دولت ما در این رابطه این میزان بی‌شرافت عمل کرده است. من نمی‌توانم تصور کنم که این چرا و چطور صورت گرفت. این یک سؤال پیچیده نیست. به این افراد قول حفاظت داده شده، بیش از ۱۰۰ تن از آنان به‌قتل رسیده‌اند، بسیار روشن است که به دست عراقیها به‌قتل می‌رسند. باید احمق باشید که نتیجه‌ی غیر از این بگیرید. متأسفانه به‌نظر می‌رسد که در دولتمان تعدادی احمق وجود دارند. باید خیلی احمق باشید که متوجه نشوید این به دستور آخوندها انجام می‌شود.

... اول و مهمتر از همه، ما باید به قولمان احترام بگذاریم و به آن عمل کنیم. تنها یک راه وجود دارد که به قولمان عمل کنیم و آن هم فرستادن هواپیماهای آمریکایی به عراق و سوار کردن همه افراد است که از نظر من در خطر جنایت و کشتار قرار دارند و آوردن آنها به آمریکا. در این صورت شاید کشور من دوباره آبروی خود را باز پس بگیرد».

گزارش مستند حمله به اشرف

مسعود رجوی:

«راه‌حل سوم، می‌گویید اشرف نه، بسیار خوب پس این معامله از اول باطل بوده، فکر می‌کنم روز اول اسفند بود و هفته پیش خبرگزاری فرانسه هم از قول وزارت خارجه آمریکا گزارش کرد که به‌گفته وزارت خارجه آمریکا سازمان مجاهدین خلق ایران در ۲۰۰۳ بیش از... (دقت کنید) بیش از ۲۰۰۰ تانک، نفربر زرهی و توپخانه سنگین را تحویل آمریکاییها داد.

شما نمی‌توانید یا نمی‌خواهید از ما حفاظت کنید، شما نمی‌خواهید و نمی‌توانید که ما به اشرف برگردیم، بسیار خوب، طبق همان موافقتنامه‌یی که حفاظت را عهده‌دار شدید، بعد از ۴ سال، بعد از ۶ و ۷ مرداد، بعد از ۱۹ فروردین، بعد از ۲۱ بهمن، بعد از ۵۷ شهید، بعد از ۱۲۳۲ مجروح، لطفاً سلاحهای ما را برگردانید، خودمان قادر به دفاع از خودمان و تأمین حفاظت هستیم! (کف‌زدن جمعیت) آن‌وقت ببینیم که چه کسی و کدام قدرتی جرأت چپ نگاه کردن به این مجاهدین را دارد (کف‌زدن جمعیت) پس این هم مجموعه‌یی از راه‌حلها، بفرمایید!...»

آیا به‌واقع آمریکا می‌تواند مجاهدین مستقر در لیبرتی را به کشور خود منتقل کند؟

«هم‌چنان که وزیر دادگستری پیشین آمریکا، مایکل موکیزی، گفته است آمریکا از جنگ جهانی دوم به بعد در موارد متعدد تعداد قابل توجهی از پناهنجویان را به کشور و خاک خود منتقل کرده است. بنابراین انتقال مجاهدان مستقر در لیبرتی برخلاف آن‌چه برخی ادعا می‌کنند هیچ کار مشکلی نبوده و نیست. این قبیل مدعیان هر که باشند و از هر موضعی که سخن بگویند خواسته یا ناخواسته این حقیقت را می‌پوشانند که مدار همه مسائل و موضوعات مربوط به مجاهدین به‌عنوان خط قرمز اصلی رژیم ولایت‌فقیه، در داخل و خارج ایران، بدون استثنا با همین رژیم بسته می‌شود.»



Iraq wants rehabilitated Iran 'terror group' out - Focus

02/19/2013 06:51 GMT -
by W.G. Dunlop

BAGHDAD, Feb 19, 2013 (AFP) - An Iranian exile group attacked in Iraq this month has moved from terrorism lists to international good graces, but Baghdad wants it out over its opposition to

Following the 2003 US-led invasion of Iraq, the PMOI turned over "2,000 tanks, armoured personnel carriers, and heavy artillery," the State Department said.

گزارش مستند حمله به اشرف

مسعود رجوی:

«جنگ ما از روز نخست تا به آخر، با رژیم ضدانسانی ولایت فقیه به عنوان غاصب حق حاکمیت مردم ایران بوده و هست و خواهد بود ولاغیر. هدف از آمدن به عراق و استقرار در مجاورت خاک میهن نیز همین بوده و هست و خواهد بود ولاغیر. بنابراین، از آن جا که مقاومت ایران جز با دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران با کس دیگری سر جنگ و خصومت نداشته و ندارد، پرواضح است و در تجربه دو دهه هم به اثبات رسیده است که هرگونه برچسب و خصومت و جنگ علیه مجاهدین و مقاومت ایران، اعم از داخلی و منطقه‌یی و بین‌المللی، برای استمالت و خوشامد و تقویت آخوندهای حاکم یا جناحی از آنها بوده است. یعنی در هرگونه کنش و واکنش داخلی و منطقه‌یی و بین‌المللی با این مقاومت، مدار سیاسی، بلاشک و بدون شکاف، با رژیم آخوندها بسته می‌شود.

نتیجه این‌که، برخلاف آنچه رژیم می‌خواهد وانمود کند، هرگونه برخورد با مقاومت ایران (اعم از منفی و مثبت) از جانب هر کس و هر نیرو و هر دولت، تابع معادلات ایران و رژیم حاکم بر آن است و از ظرف مکانی و معادلات جغرافیایی تأثیر عمده نمی‌پذیرد. پس، سرنوشت این مقاومت به‌طور قانونمند در ارتباط مستقیم با رژیم آخوندی و سرنوشت مردم ایران رقم می‌خورد. این سرنوشت را با همه مخاطرات آن، از ربع قرن پیش، با شعار مرگ بر ارتجاع، زنده باد آزادی در مصاف با استبداد مذهبی آگاهانه و آزادانه پذیرفته و خود، داوطلبانه، فعالانه و با تمام قوا، آن را رقم زده‌ایم. بهای آن را هم، هرچه سنگین و خونین، پرداخته و باز هم خواهیم پرداخت و این جز بر شرف و افتخارمان نمی‌افزاید. (قسمتی از

پیام ۲۲ بهمن ۱۳۸۱)

سؤال این بود که آیا به‌واقع آمریکا می‌تواند مجاهدین مستقر در لیبرتی را به کشور خود منتقل کند؟ جواب قطعاً مثبت است و آخرین نمونه آن قبول مهاجرت بسیاری عراقیان قبل و حتی بعد از جنگ در سال ۲۰۰۳ است.

قبل از آن‌هم در سال ۱۳۷۵ آمریکا بیش از ۶۵۰۰ نفر از کردهای شمال عراق را

پس از شکست کودتا علیه دولت وقت عراق سریعاً از این کشور خارج کرد و به جزیره گوام برد که بعداً اغلب آنها به خاک اصلی آمریکا منتقل شدند. روزنامه واشینگتن پست در ۱۰ بهمن ۱۳۷۵ آمار کردهای منتقل شده به گوام را ۷ هزار نفر اعلام کرد.

واشینگتن پست نوشت: در سال ۱۹۹۱ بعد از پایان جنگ با عراق، متحدین به رهبری آمریکا یک بهشت امن در شمال عراق برای کردها آماده کردند که ۲۰۰ میلیون دلار برای نوسازی مزارع و خانه‌های کردها پرداخت شد. ولی این پروژه ۵ ساله در اوت به شکست انجامید وقتی که گارد جمهوری متبصر صدام حسین به دعوت یکی از گروههای کردی وارد این منطقه شد...

یک کرد که در شهر سلیمانیه مهندس بود و در تأسیسات سرمایه‌گذاری شده آمریکا کار می‌کرد، گفت: "ما تمام پرونده‌ها در کامپیوتر را از بین بردیم، و تمام کاغذها و عکسها که مشخص می‌کرد برای چه کسی کار می‌کنیم را سوزاندیم". آمریکا که دیگر پرسنلی در این محل نداشت، رفتن و کمک به کارکنان محلی را رد کرد، اما به کارکنان قبلی و خانواده‌هایشان اطلاع داد که اگر خودشان را به مرز ترکیه برسانند به آنها پناهندگی سیاسی خواهد داد...

بنا به گفته وزارت خارجه از آن موقع تا به حال ۳ سری از کردها پناهندگی گرفتند: ۲۱۵۰ نفر که برای ارتش آمریکا و یا در دفاتر کمک خارجی آمریکا کار می‌کردند. ۶۰۰ نفر از اعضای احزاب اپوزیسیون عراق که از طرف سیا کمک مالی می‌شدند. ۳۷۸۰ نفر که برای آژانسهای غیرانتفاعی که در آمریکا مستقر هستند کار می‌کردند.

در هر مورد آنها از ترکیه به پایگاه نظامی آمریکا در گوام رفته، از آنجا بعد از دو ماه به آمریکا آمده‌اند که تا به حال ۲۲۰۰ نفر در محلهای جدید خود اسکان داده شده‌اند. از طرف ارگانهای غیرانتفاعی به هر نفر ۱۰۰۰ دلار در ماه اول داده می‌شود که مخارج خانه، غذا و غیره را تأمین کند.

تفاوت این موضوع، با موضوع مجاهدین در این است که مجاهدین قبل از هر چیز یک جنبش مستقل را نمایندگی می‌کنند که فقط برای مردم ایران و نه

هیچ کس دیگر، مبارزه و کار می‌کنند. مجاهدین به‌طور رسمی افراد حفاظت‌شده تحت کنوانسیون ژنو شناخته شده‌اند و مخصوصاً پس از خروج از لیست تروریستی بنابر نظریه‌های متقن حقوقی، هیچ مانعی در مورد پناهندگی آنها در آمریکا وجود ندارد؛ الا این‌که دولت آمریکا با ممانعت از پناهندگی آنها بخواهد برای فاشیسم دینی حاکم بر ایران دست تکان داده و علامت حسن نیت بدهد و استمالت کند. بدون شک در این موضوع هم، مدار با رژیم بسته می‌شود و هر ادعا و استدلال دیگری بهانه است. هیچ نیش‌زدن و اذیت و آزار و اتهام و لجن‌پراکنی علیه مجاهدین، حتی یک مورد در ۳۵ سال گذشته، نه در داخل و نه در خارج ایران "فی سبیل الله" نبوده و عملاً معنایی جز پل‌زدن با رژیم و یا استمالت از آن و گرفتن پول و امتیاز از رژیم نداشته و ندارد. رژیمی که صریحاً می‌گوید کل کره زمین را می‌خواهد از مجاهدین تهی نموده و یکایک آنها را از میان بردارد. مجاهدین در اشرف و غیر اشرف، نه فقط یک دلار هم از آمریکاییها نگرفته‌اند، بلکه انبوهی هم امکانات در زمانی که در اشرف مستقر بودند در اختیار آنها گذاشتند و جان بسیاری از افراد آنها را هم بدون هرگونه چشمداشت در مقاطع مختلف از خطرهای محتوم نجات دادند.

اطلاعات بسیار ارزنده مجاهدین درباره اقدامات و برنامه‌های تروریستی رژیم در عراق نیز جای جداگانه‌یی دارد و فرمانده جیاتیف در ارتش به آن گواهی داده و این گواهی در کتاب "ایران: سیاست خارجی، چالشها و انتخابها" منتشر شده است»:

گواهی فرمانده مشترک نیروهای آمریکایی مأمور به خدمت در اشرف ۲۴ اوت ۲۰۰۶

وزارت ارتش
گروه رزمی ۱۳۴ جیاتف
قرارگاه اشرف، عراق
۲۴ اوت ۲۰۰۶
یادداشت برای ثبت در پرونده

موضوع: توافقات تفاهم شده بین جیاتیف و سازمان مجاهدین خلق ایران در دوران خدمت سرهنگ نورمن (۲۲ سپتامبر ۲۰۰۵ تا ۲۴ اوت ۲۰۰۶)

۱- آژانسهای مختلف تحقیقاتی ایالات متحده از اشرف بازدید کرده و با اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران مصاحبه کرده‌اند و آنها متعاقباً از کنترل آزاد شده و به‌عنوان افراد حفاظت‌شده تحت کنوانسیون ۴ ژنو و توسط ائتلاف نیروهای چندملیتی در عراق به رسمیت شناخته شده‌اند. هر تردیدی به خارج از اشرف همواره تحت اسکورت نیروهای آمریکایی صورت گرفته است.

۲- ضمن ۳ سال گذشته، نیروهای آمریکایی و سازمان مجاهدین خلق ایران بهترین تلاش مشترک خود را در حفاظت از شهر اشرف مبذول داشته‌اند. نیروهای آمریکایی مسئول امنیت بیرون اشرف بوده‌اند و سازمان مجاهدین خلق ایران مسئول نظم داخلی اشرف بوده است که به بهترین نحو انجام شده است.

۳- به‌طور معمول، اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران خانواده‌ها و دوستان و همکاران خود را که در ایران یا کشورهای خارجی زندگی می‌کنند به اشرف برای دیدار دعوت می‌کنند. این بازدیدکنندگان در یک محیط امن مورد استقبال قرار می‌گیرند و توسط سازمان مجاهدین خلق ایران مورد پذیرایی قرار می‌گیرند. در مواقعی با اجازه بازدیدکننده، سازمان مجاهدین خلق ایران ممکن است از افراد جیاتیف برای ملاقات با آنها دعوت کند.

۴- در صورتی که سازمان مجاهدین خلق ایران با موارد مشکوک بیرونی یا عناصری که قصد اخلال در آرامش محیط و یا توطئه و خرابکاری داشته باشند مواجه شود، آنها را متوقف و در یک محل نگهداری می‌کند، سپس پلیس نظامی آمریکا را برای تحویل و تحقیقات فرامی‌خواند.

۵- سازمان مجاهدین خلق ایران، در تسهیل درخواستهای سازمانهای بین‌المللی برای تماسهای خانوادگی و دیدارهای حیاتی با این افراد بسیار همکاری کرده است. حیاتیات درخواست را یا از طریق افسر ارتباط سازمان مجاهدین خلق ایران رد می‌کند یا تقاضا می‌کند با آنها شخصاً ملاقات کند و تقاضا را مطرح کند. در مواردی که اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران نیت حقیقی این درخواستها را زیر سؤال می‌برند (نگرانی در مورد انتشار اطلاعات غلط، یا نگران‌کننده در مورد امنیت اشرف و ساکنان آن) یا این که رژیم ایران این درخواستها را واسطه‌گری می‌کند، اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران می‌توانند افکار و نگرانیهای خود را به صورت مکتوب به حیاتیات بدهند تا حیاتیات برای سازمان بین‌المللی مربوطه اصلیب‌سرخ] ارسال کند.

۶- هیچ زندان و هیچ اجباری برای ماندن در اشرف وجود ندارد. همه آزادند که سازمان مجاهدین خلق ایران را هر زمانی که بخواهند ترک کنند. برای حفاظت از امنیت و اطلاعات دارای ریسک برای ساکنان اشرف و خانواده‌های آنها در ایران، کسانی که سازمان مجاهدین خلق ایران را ترک می‌کنند و مایلند مستقیم به ایران بروند، قبل از خروج حداقل ۳ هفته در تیف نگه داشته می‌شوند و اسامی آنها به سازمان مجاهدین خلق ایران از ۳ هفته قبل از رفتنشان داده می‌شود تا کنترل صدمات (خسارات) را کنترل کند. هر استثنایی می‌باید به صورت مشترک مورد توافق قرار بگیرد.

۷- هر تقاضایی برای ملاقات با ساکنان اشرف توسط حیاتیات به صورت مکتوب (با ذکر دلیل) داده می‌شود. ملاقات تقاضاشده در یک محل مورد توافق از اماکن مجاهدین (و نه در فاب مقر نیروهای آمریکایی) برگزار می‌شود. ساکن (اشرف) باید قبل از این که چنین ملاقاتی برنامه‌ریزی شود، با آن موافقت کند. اگر فرد با

DEPARTMENT OF THE ARMY
TF 134, JIATF
Camp Ashraf, Iraq
APO AE 09391

TF-134-JIATF

24 AUG 06

MEMORANDUM FOR RECORD


SUBJECT: Understood Agreements Between JIATF and PMOI During LTC Norman's Tenure (22 SEP 05-24 AUG 06)

1. Various investigative agencies of the United States have visited Ashraf and interviewed PMOI members who were subsequently released from control and recognized as protected persons under the Fourth Geneva Convention, and protected by the MNFI. Any movement outside of Ashraf has always been under the escort of U.S. Forces.
2. For the protection of Ashraf, a full list of names of PMOI members has been provided to the JIATF.
3. Normal movement of PMOI members in and out of Ashraf should be controlled by the JIATF.
4. In cases where PMOI members are being delivered to the JIATF, the JIATF should ensure that the PMOI members are delivered in a safe and secure environment.
5. The JIATF should ensure that the PMOI members are delivered in a safe and secure environment.
6. There are no PMOI members in Ashraf.

will be kept in the TIPF for at least 3 weeks prior to their departure and their names will be given to the PMOI three weeks prior to their departure in order to facilitate damage control. Any exceptions should be agreed upon jointly.

7. Any request for meetings with residents of Ashraf will be submitted in writing (stating the reason) by the JIATF. The requested meetings will be held in an agreed upon PMOI meeting location (not on the FOB). The resident must be in agreement to the meeting before it can be scheduled. If the individual does not agree to the meeting then JIATF request a signed written statement from the individual to update their files.
8. The PMOI has encouraged and assisted various Iraqi groups to join the political process and dialogue with the US Forces. This action by the PMOI has helped to establish a safe and secure environment and should be continued.
9. The PMOI has been encouraging peaceful methods in its surrounding community for the establishment of a secure and democratic Iraq and has respected the laws of Iraq. The relationship between the PMOI and inhabitants of regions surrounding Ashraf has played a positive role in providing security in the area. Events in the city of Odheim are a good example of PMOI efforts to establish cooperation among the Iraqi Army, US Forces and residents of the city; the PMOI should be encouraged to continue such relations. The Iraqis who have talked to our forces have expressed positive and sympathetic opinion about residents of Ashraf.
10. The PMOI has always warned against the Iranian regime's meddling and played a positive and effective role in exposing the threats and dangers of such interventions; their intelligence has been very helpful in this regard and in some circumstances has helped save the lives of soldiers. Recommend that the facilitation of intelligence sharing continue.

Very Respectfully,


Julie S. Norman
Lieutenant Colonel, Military Police
JIATF Commander

گزارش مستند حمله به اشرف

انجام ملاقات موافقت نکند، جیاتیف تقاضا می‌کند که این فرد یک نامه امضا شده برای به‌روزشدن (و تکمیل) پرونده بدهد.

۸- سازمان مجاهدین خلق ایران گروه‌های مختلف عراقی را برای پیوستن به پروسه سیاسی و گفتگو با نیروهای آمریکایی تشویق و کمک کرده است. این اقدام سازمان مجاهدین خلق ایران به ایجاد یک محیط امن و ایمن کمک نموده و باید ادامه یابد.

۹- سازمان مجاهدین خلق ایران در جامعه پیرامون خود برای ایجاد یک عراق امن و دموکراتیک مشوق روش‌های مسالمت‌آمیز بوده و به قوانین عراق احترام گذاشته است. رابطه سازمان مجاهدین خلق ایران با اهالی مناطق اشرف در تأمین امنیت منطقه، نقش مثبتی داشته است. وقایع شهر "عظیم" نمونه خوبی است که نشان از تلاش برای ایجاد همکاری بین ارتش عراق، نیروهای آمریکایی و مردم شهر توسط سازمان مجاهدین خلق ایران داشت و سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باید به ادامه این رابطه‌ها تشویق شوند. عراقیانی که با نیروهای ما صحبت کرده‌اند، نظر مثبت و سمپاتیکی نسبت به ساکنان اشرف ابراز می‌کنند.

۱۰- سازمان مجاهدین خلق ایران همواره در مورد دخالت‌های رژیم ایران هشدار داده و یک نقش موثر و مثبت در افشای این تهدیدات و خطر ناشی از این دخالت‌ها ایفا کرده است. اطلاعات آنها در این رابطه بسیار کمک‌کننده بوده و در برخی حوادث به نجات جان سربازان ما کمک نموده است. تسهیل این تبادل اطلاعات توصیه می‌شود.

با احترام بسیار
جولی اس نورمن
سرهنگ دوم پلیس نظامی
فرمانده جیاتیف

ادعای حکومت عراق دربارهٔ فقدان امنیت در تمام عراق برای شانه خالی کردن از زیر بار جنایت در اشرف و لیبرتی

حکومت عراق و پشتیبانان و خدمتکاران آن برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و جنایت در اشرف و لیبرتی، ادعا می‌کند که برخلاف موافقتنامه‌یی که با سازمان ملل به هنگام انتقال ساکنان اشرف به لیبرتی امضا کرده است، قادر به حفاظت از اشرف و لیبرتی نبوده و نیست. این حکومت فریبکارانه، استدلال می‌کند که در همه جای عراق هر روز انفجارها و قتل‌هایی صورت می‌گیرد و بنابراین اشرف و لیبرتی هم از آن مستثنی نیستند.

این هم یکی دیگر از رهنمودهای گشتاپوی دینی به عواملش در حکومت عراق و به گفتهٔ آخوند مصلحی، وزیر قبلی اطلاعات در شمار تلاش‌های رژیم برای «ارتقای امنیت ملی کشور همسایه» محسوب می‌شود. بی‌جهت نبود که فالح فیاض رژیم ایران را «پیش‌تاز در انتقال تجارب خود به دولت نوپای عراق» توصیف کرد.

تلویزیون شبکه ۲ (رژیم) ۱۲ فروردین ۱۳۹۲:

«وزیر اطلاعات کشورمان در دیدار با سرپرست وزارت امنیت بغداد ضمن گفتگو و تبادل نظر در خصوص مسائل منطقه‌یی و موضوعات داخلی عراق گفت، ایران برای ارتقای امنیت ملی کشور همسایه، عراق تلاش می‌کند.

...

وزیر اطلاعات با تأکید بر روابط امنیتی بین ایران و عراق گفت، پیگیری جدی اخراج گروهک تروریستی منافقین از عراق از جمله موضوعاتی است که در این سفر به‌طور ویژه به آن پرداخته خواهد شد.

مصلحی: بحث منافقین هست که ما مصر هستیم هرچه زودتر این مجموعه از داخل عراق جمع بشود و با هماهنگی که صورت گرفته، انشاءالله به‌زودی این مجموعه از داخل عراق جمع خواهد شد و درواقع باید تکلیفشان روشن بشود، هرچه سریعتر!

گزارش مستند حمله به اشرف

فالح فیاض: ایران از کشورهای پیشتاز در انتقال تجارب خود به دولت نوپای عراق بوده و همیشه در چالشها برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه به کمک ما آمده است و رابطه با ایران اولویت اصلی ماست».

این درست است که سرپای عراق به خاطر بمب و مواد انفجاری و تروریستهای صادراتی رژیم ایران غرق خون است. یعنی حقیقت نخستین، هم‌چنان که همه شخصیتها و نیروهای ملی عراقی اذعان می‌کنند، این است که مالکی و رژیم، نخستین مسئول ناامنی و سلسله فجایع بلانقطاع کشتارها و بمب و انفجار هستند.

با این حال حتی اگر در همین ادعای ناامنی عراق که برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت حمله به لیبرتی و اشرف ابداع شده است، تدقیق کنیم، در یک محاسبه ساده، نسبت و تعداد نفرات مجاهدین و شهیدان و مجروحان آنها را با جمعیت کل عراق بسنجیم، آن وقت، مشت مدعی باز و حقیقت تکان‌دهنده‌ی آشکار می‌شود.

برد شرم، نماینده کنگره آمریکا و عضو ارشد زیرکمیته تروریسم این سنجش را در استماع در کمیته خاورمیانه به روشنی ارائه کرده است:

برد شرم - استماع در زیر کمیته خاورمیانه ۱۳ نوامبر ۲۰۱۳ (۲۲ آبان ۹۲)

«مالکی سلاحهای ما را می‌خواهد ولی با این همه اجازه می‌دهد که هواپیماها از ایران به سوریه بروند و با خود، قاتلان و اوباش و نیروهای سپاه پاسداران و سلاح ببرند. او می‌گوید که نمی‌تواند از آسمان کشور خودش دفاع کند ولی مطمئناً از ترکیه، عربستان سعودی و یا آمریکا هم نخواست که از آسمانش دفاع کنند، در مقابل، این قاتلان که به راحتی از بالای مرز عراق پرواز می‌کنند تا کشتارهایشان را در سوریه به انجام برسانند.

اکنون من می‌خواهم به آقای ویلسون بپردازم و روی کمپ لیبرتی (اشرف) تمرکز

کنم. ما ۱۰۱ نفر در این کمپ داشتیم و ۵۲ نفرشان کشته شدند. این تلفات ۵۰ درصد است که به طور تخمینی یک میلیون برابر تلفاتی است که شهروندان عادی عراق با آن مواجهند. اینها جان باختنهای تأسف‌باری است که در عراق اتفاق افتاده و در میان کشته‌شدگان برادر افضل‌نیا هست که فکر می‌کنم امروز این‌جا در میان حضار است. وزارت خارجه بیانیه‌ی صادر کرده است که در آن می‌گوید دولت عراق هیچ دخالتی در این نداشته است که به نظر من باورنکردنی است چون آنها وظیفه داشتند که از ساکنان این کمپ حفاظت کنند و بنا به گفته وزارت خارجه خودمان هیچ کاری نکرده است. در واقع آدمکشان بایستی از چند نقطه بازرسی عبور می‌کردند».

U.S. Foreign Policy Towards Iraq
Hearing, Subcommittee on the Middle East and North Africa,
House Foreign Affairs Committee
November 13, 2013

Rep. Brad Sherman: I want to thank Chair and ranking member for the opportunity to participate in this hearing. Maliki wants our weapons yet he allows planes to go from Iran to Syria. Taking murderers and thugs and the IRGC and weapons with him. He says that he can't defend his own airspace but he certainly has not invited Turkey, Saudi Arabia, or the United States to defend that airspace from these murders that fly leisurely across Iraq do their killing in Syria. Now I would like to join with Mr. Wilson and others in focusing on Camp Liberty. You had 101 members of the MEK there. 52 were killed. That's a 50% casualty rate, roughly or roughly a million times the casualty rate that ordinary Iraqi civilians have faced in the unfortunate deaths that have occurred in Iraq. Included among those who died was the brother of Afzal Afzalnia who I believe is in our audience today. The State Department has issued a statement well the Iraqi government had nothing to do with it, which to me is an incredible indictment. They have an obligation to protect the residents of the camp. According to our own State Department, did nothing. In fact the assailants had to get past several check points in order to carry out their murders. When we were in Iraq, Camp Liberty had 17,000 of these T-walls that protect those who live in the camp from missiles and mortars. Now there are less than 200. What have we done to make it clear to Maliki that he has to put back the T-walls and provide the defense? Or will he keep the people there subject to attack then disclaim any responsibility when they are in fact attacked?

برنارد کوشنر ژنو

۱۹ سپتامبر ۲۰۱۳ (۲۸ شهریور ۹۲)

«ما از حماقتی به حماقت دیگر و از تناقضی به تناقض دیگر برخورد می‌کنیم و از جنایت به کشتار.

ایالات متحده آمریکا که دشمن اصلیش رژیم ایران است، نخست‌وزیر عراق آقای مالکی را سرکار آورد. اما او دارد کار رژیم ایران را می‌کند، بدون این‌که آمریکا اعتراضی بکند. لذا من وقتی که اولین بار با مالکی دیدار کردم، این ایده آندوهناک را داشتم که با صدای بلند فکر کنم و تردیدم را بیان کنم. در آن موقع وزیر خارجه فرانسه بودم و نباید به این شکل صحبت می‌کردم. شک نسبت به توانمندیهای این مرد و به‌خصوص شک به اخلاقیات او و پیوندهایی که بین مالکی و رژیم ایران وجود داشت. همه اینها قابل رؤیت بود، مگر نه؟ همه اینها در چشم فرو می‌رفت. به یاد دارم که در همان تاریخ یک آقای علاوی بود که در انتخابات برنده شده بود اما این اشکال مهیب را داشت که سکولار است. اما او را برگزیدند، به‌رغم این‌که در انتخابات برنده شده بود، کسی را برگزیدند که تحت سیطره حکومت مذهبی و به‌خصوص رژیم ایران بود. باید یک روز همه این تناقضات و سایر موارد مربوط به جنگ عراق را روی میز آورد. منظورم جنگ آمریکا در عراق است. چرا که مالکی که من فکر می‌کنم، و شما آقای ری‌ال حق دارید بگویید که این یک جنایت دولتی است، جنایت نخست‌وزیر یک دولت است چرا که بدون او دستوری در کار نبود و باید او را متهم کرد. اگر مقامات آمریکا کمی شرافت داشته باشند، باید پافشاری کنند که ۷ گروگان شامل عزن و یک مرد، آزاد شوند. به‌خصوص به رژیم ایران استرداد نشوند. این دیگر اوج تناقض خواهد بود. لذا اجازه‌دادن به نخست‌وزیر منصوب آمریکاییها که به نام عراق مرتکب قتل شود و اشخاص مورد حفاظت ملل متحد را تحویل بدهد، فکر کنم کلان حماقتی است که از یک انسان سر بزنند. خواستم کلمات دیگری استفاده کنم اما می‌دانم که باید مؤدبانه صحبت کرد.»

پیام به متحصنین ۵ ماهه در ژنو

مسعود رجوی ۹ دی ۱۳۸۷

«اینک اشرف پرشکوه با یاران نستوه در کارزاری به‌غایت فشرده و سخت و سنگین سرفراز می‌شوند. نام ایران و ایرانی و نام شهر شرف و پایداری را در همه‌جا به اوج می‌برند. از ژنو تا نیویورک و واشینگتن، از کانادا تا استرالیا و ایتالیا، از انگلستان تا فرانسه و آلمان، از سوئد تا نروژ و فنلاند، از بلژیک تا دانمارک و هلند، از یمن تا مصر و لبنان، از اردن تا فلسطین و عراق...
این فریاد رسای هر ایرانی و شورای ملی مقاومت ایران، برای آزادی است که در همه‌جا طنین می‌اندازد، می‌گسترده و ریشه می‌دواند. از دانشگاهها و کارخانه‌ها تا سلسله‌جبال البرز. بیچاره آخوندهای افسارگسیخته که پاسخی جز دشنه و دسیسه و دار نمی‌یابند.

”بگیر، ببند، بکش، گور خود کنی به دست خود...”

از فردای خیزش شیعیان در عراق علیه حاکمان مرتجع در ایران، رژیم پلید آخوندی چنگالها و دندانها تیز کرد و به گفته خودش، کمر به قصاص و قتل‌عام اشرفیان بست. سفلگان و دريوزگان بارگاه ولایت که در برابر غداران و جباران جز تسلیم نیاموخته‌اند، زانو زدند. با زبانهای گندیده و مسموم و با سوداهای شوم برای اشرفیان، به مجاهدان آزادی تاختند. به جای جلا، ”بی‌دنده و ترمز“ قربانی را هدف قرار دادند و به‌جای ظالم، سنگ را به مظلوم زدند. بگذار در ساحل امن، در هاون رژیم آب بکوبند تا در هزار توی خفت و ذلت و در عقده‌های فرومایگی و حقارت، بیوسند.

هیپات که ۶سال پیش، در محرم حسینی، گفته بودیم که ”وقتی دیو تنوره می‌کشد، وقتی که دژخیم سر از پا نمی‌شناسد، رمز ماندگاری و اعتلا، کلمه فداست... مجاهدین از بنیانگذارانشان تا اعضا و هوادارانشان در تمام ایران و در سراسر جهان این درس را به‌خوبی آموخته‌اند که تاریخ خلق و میهن خود را چگونه بنویسند. هیچ‌کس بیش از ما به خطراتی که از هر سو ما را دربرگرفته

احاطه و اشراف ندارد. اما عزم جزم کرده‌ایم تا اگر زمانه صد بار از این هم خطیرتر و پرفتنه‌تر باشد، با تاسی به پیشوای آرمانی‌مان، درسهای جدیدی از مقاومت و ایستادگی عرضه کنیم.»
خوشا اشرفیان صدیق و پاکباز و سرداران و سالارانی که غزلخوانان، دستافشان و پاکوبان، درس بزرگ مقاومت و ایستادگی عرضه کردند.»

...۳،۲،۱

۱۰۰ و ۱۰۰۰ اشرف دیگر می‌سازیم

مسعود رجوی - ۲۷ شهریور ۹۲

«آری ما به‌سوی آزادی و در مسیر سرنگونی ۳،۲،۱... ۱۰۰ و ۱۰۰۰ اشرف دیگر می‌سازیم.

از خون مجاهدین در اشرف شعله‌ها و آتشها برمی‌خیزد و رژیم ضدبشری را خاکستر می‌کند.

ما برای نبردها و جنگهای بنیان‌کن دیگر آماده و آماده‌تر می‌شویم. حق دفاع از خود برای هر مجاهدی در برابر حمله و یورش دشمن در هر کجا یک حق مشروع و قانونی است. بی‌محابا از این حق مشروع و قانونی در هر زمان و در هر مکان استفاده کنید!

هم‌چنان‌که سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرده است: قاتلان جنایتکار در هر لباسی و به‌ویژه در لباس آخوندی و پاسداری می‌توانند مطمئن باشند که حساب یک به یک این خونها را هم‌چون لاجوردی و صیادشیرازی و آخوندهای دانه‌درشت دیگر پس خواهند داد.»

کارزار سرنگونی شماره ۳

مسعود رجوی ۲۶ آذر ۹۲

«به مؤسسان چهارم و لشکرهای فدایی در خاتمه اعتصاب غذای جهانی، از روز اول دی‌ماه وارد «کارزار سرنگونی شماره ۳» می‌شویم.

کارزار شماره ۱ پس از خروج از لیست تروریستی شروع شد و سوگند خوردیم که این سلسله کارزارها را تا هر زمان که به‌درازا بکشد ادامه بدهیم.

کارزار شماره ۲ پس از نخستین حمله موشکی به لیبرتی در شب عید امسال با آماده‌باش سال ۹۲ شروع شد. در حمله موشکی دوم و سوم به لیبرتی و سپس در کلهکشان اشرف به اوج رسید.

اکنون در پایان اعتصاب غذای تاریخی، که بالاترین و در عین حال گزنده‌ترین قدرت‌نمایی سیاسی و ایدئولوژیکی برای دشمن ضدبشری و مزدوران و همکیشان و هم‌خطان آن بود و به هزار زبان در تخطئه آن می‌کوشیدند، کارزار شماره ۳ را از اول دی آغاز می‌کنیم.

منطق راهنما، همان «کس نخارد» است. کسی از بیرون ما و یاران ما و خلق ما، قرار نبوده و نیست که برای ما آزادی یا حقوق بشر بیاورد. فرزندان ایران و عراق و سوریه باید آزادی و حقوق بشر را، با رنج و خون و پرداخت بها، بنویسند و به مدعیان هم بیاموزند. این‌جاست که قطب‌بندی و تعمیق و جدایی صفوف انقلاب و ارتجاع از یکدیگر تکمیل می‌شود و این لازمه تکامل مبارزه رهاثیبخش خلق‌هاست.

این سلسله کارزارها در میان آتش و خون، در میان توطئه و محدودیت و فشار و محاصره، در رویارویی با جباران و غداران پیمان‌شکن، بی‌امان، به پشتوانه خلق قهرمان، در پرتو مهر تابان مقاومت و آزادی ایران پیش می‌رود.

دشمن و مزدوران قد و نیم‌قد آن برآند مرز سرخ و حصار حیاتی پیکار آزادی و هویت ایرانیان آزاده و میهن‌پرست را انکار کنند اما تا یک مجاهد اشرفی و یاران اشرف‌نشان هستند این آرزو را به گور خواهند برد و این نبردی است تا پیروزی...